



۲۰۱۵/۰۳/۲۸

حامد نوید

## باز بهار آمده است

هموطن، هموطن، هموطن ای پاک نهاد خوبم  
 ای که قلب تو بر افروخته از مهر خداست  
 ای که از دور مگر بشنوی این آوایم  
 ای که از درد تو صد شعله دمد از جانم  
 ای تو شاهین بخون خفته، پر بسته من  
 این چه پیش آمده کامروز توئی در شیون؟  
 کیست؟ کاین ظلم و ستم بر تو روا میدارد؟  
 باز افغان زچه رو دشمن افغان شده است؟  
 هرطرف دسته و حزبیست به پیکار روان  
 وای کاین خاک من و توست که گردد غارت  
 حیف باشد که شوی آله دست دگران  
 باز در خود نگر و کشور ویرانت بین  
 باز افغان زچه رو دشمن افغان شده است؟  
 زان سبب فاتح و سردار خدایت نامید  
 نی که از بغض و حسد خواهر خود سرزنی  
 که ربوده است زما خوی خواص بشری  
 دام و دد هم نکند آنچه به خود ما کردیم  
 بس کن ای سنگدل از بهر خداوند بس است  
 بر کی فاتح شده ئی؟ چیست چنین پیروزی  
**وز پی قدرت این دهر هراسان نشویم**  
**یا که جرأت بکند کشور شیران گیرد؟**  
 همه اولاده آدم همه یک جان و تنیم  
 قلب خود پاک ازین ظلمت و تاریکی کن  
 همه اولاده آدم همه یک جان و تنیم  
 هموطن! باز بهار تو مبارک بادا  
 باز سال دیگری از پی پار آمده است  
 نوبهار است بیا عهد مودت بندیم  
 باز پرواز به جولانگه شهباز کنیم

هموطن، هموطن، ای هموطن محبوبم  
 ای که از چشم تو صد برق محبت پید است  
 هموطن، هموطن، ای هموطن تنهائیم  
 هموطن، هموطن، ای هموطن حیرانم  
 هموطن! هموطن، ای هموطن خسته من  
 هموطن، هموطن، ای هموطن فاتح من  
 باز بر بام و درت بهر چی آتش بارد؟  
 خاک پاک تو چرا باز در افغان شده است  
 بین که بانام خدا لیک به حکم دگران  
 در جهانی که بشر ساخته بهر قدرت  
 هموطن، ای که توئی مرد دلیر دوران  
 هموطن خیز و به تاریخ نیاکانت بین  
 خاک پاک تو چرا باز در افغان شده است  
 ایزد از بهر تو شمشیر عدالت بخشید  
 تا به شمشیر ظفر لشکر دشمن شکنی  
 چیست؟ انگیزه این شهوت بیدادگری  
 بس ز قدرت طلبی معرکه برپا کردیم  
 به هزاران شده بی پا، به هزاران بیدست  
 ای که با ظلم و ستم هموطنی را سوزی  
**ما اگر خادم بیگانه به آسان نشویم**  
**کیست را زهره که تا نام زافغان گیرد؟**  
 همه افغان، همه انسان، همه از یک وطنیم  
 هموطن نیک بیاندیش و همی نیکی کن  
 همه افغان، همه انسان، همه از یک وطنیم  
 گرچه در خانه ویرانه تو نیست غذا  
 هموطن! خیز به خاک تو بهار آمده است  
 هموطن ای که پیمان محبت بندیم  
 خیز تا باز بهاری ز سر آغاز کنیم

تا دمد صبحدم از تازه بهار من و تو

گل خورشید بخندد به دیار من و تو

پایان

د پانو شمیره: له ۱ تر ۱

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې ښې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولئ